

هدف کلی: پذیرش این مهم که ابزار شناخت انسان منحصر در حس و تجربه نیست و ابزار دیگری هم هست

اهداف آموزشی:

بیان ابزارهای شناخت در وجود انسان
توانایی ذکر تفاوت های ابزارها و محدوده آنها
استفاده به جا و شایسته از همه ابزارها در جایگاه و موقعیت خود

مجتبی محمودی

دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایزده

به کانال ما در تلگرام پیوندید

t.me/mahmoudi_izeh



ابزارهای شناخت

عبارت های زیر را با دقت بخوانید.

- ۱ سر نوشت هر کس در گرو عملی است که خود انجام داده است.
- ۲ گزاره اول، بیانگر قدرت اختیار در انسان است، یعنی یک گزاره انسان شناختی است
- ۳ تاریخ بشر با حوادث تلخ و ناگوار فراوانی آمیخته است.
- ۴ گزاره دوم، یک گزاره در حوزه تاریخ بشر و حوادثی است که بر او گذشته است
- ۵ یکی از فرشتگان الهی جبرئیل است که آوردن وحی بر پیامبران را برعهده دارد.
- ۶ گزاره سوم، یک گزاره درباره جهان غیب و ماوراءالطبیعه است
- ۷ زمین علاوه بر حرکتی که به دور خود و به دور خورشید دارد، حرکتی هم همراه با منظومه شمسی در کهکشان دارد. گزاره چهارم، یک گزاره علمی در حوزه فیزیک و علوم طبیعی است
- ۸ انسانی که واقعاً خدا را مقصود خود قرار بدهد، اعمالش در جهت رسیدن به او خواهد بود.
- ۹ گزاره پنجم، یک گزاره اعتقادی و تأثیر اعتقاد بر عمل است
- ۱۰ جهان برای برخی انسان ها حکم قفس را دارد.
- ۱۱ گزاره ششم، یک گزاره عرفانی و اخلاقی شمرده می شود



بیشتر بدانیم

بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی و لامسه ما در محدوده خاصی عمل می کنند. چشم انسان نمی تواند رنگ هایی را که در دو طیف مادون قرمز و ماورای بنفش قرار دارند، ببیند. البته دانشمندان با دستگاه های بسیار دقیقی که ساخته اند، توانسته اند به این دو طیف رنگ نیز دسترسی پیدا کنند. گوش انسان نیز همه فرکانس ها را دریافت نمی کند، در حالی که گوش برخی حیوانات فرکانس های بسیار ریز و برخی دیگر فرکانس های بسیار بزرگ را نیز می فهمد و صدای آنها را درک می کند. بنابراین ما نمی توانیم بگوئیم رنگ ها و صداهای طبیعت محدود به رنگ ها و صداهای است که ما آنها را می بینیم یا می شنویم.



گرمای کویر سبب می شود مسافران دچار توهم شوند و از فاصله دور آبادی هایی را ببینند که در واقع وجود ندارد.



در این عکس به نظر می رسد کسی برج میلاد را در دست گرفته است. ما می دانیم چنین کاری غیر ممکن است و تنها نزدیکی دست به دوربین و دوری برج میلاد از آن، موجب چنین تصویری شده است.

آیا با جمله های صفحه قبل موافقت می کنید؟

صرف نظر از اینکه با این گزاره ها موافق هستید یا مخالف، فکر می کنید گویندگان این جمله ها با چه ابزاری به آنها پی برده و آنها را پذیرفته اند؟ هر یک از این گزاره ها مربوط به چه حوزه هایی از دانش بشر می شود؟

۱- یکی از تلاش های فیلسوفان در زمینه ابزار شناخت چیست؟

۱) در وجود انسان ابزارهایی برای شناخت وجود دارد. فیلسوفان تلاش می کنند این ابزارها را شناسایی کنند و قلمرو کاربرد آنها را معین نمایند. این ابزارها عبارت اند از:

۲- ما به کمک حواس پنج گانه با چه چیزهایی آشنا می شویم؟

۳- آیا شناخت حسی قابل اطمینان است؟ توضیح دهید

۱. حس

یکی از ابزارهای شناخت ما حس است (ما به کمک حواس پنج گانه با عالم طبیعت آشنا می شویم و بسیاری از موجودات و ویژگی های آنها را می شناسیم).

۳) گرچه گاهی در شناخت حسی خطا رخ می دهد، اما این شناخت به قدری برای ما معتبر است که بر پایه آن زندگی می کنیم و از اشیای طبیعی بهره می بریم و نیازهایمان را برطرف می سازیم. یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی حس در شناخت تفاوت ها و تمایزهاست. ۴

۵) شناخت تمایزها و تفاوت های اشیای این امکان را به انسان می دهد که به کمک عقل خود از اشیای متفاوت استفاده های مختلف بکند؛ مثلاً اگر در مقابل ما یک لیوان آب و یک ظرف غذا باشد، برای رفع تشنگی لیوان آب را برمی داریم و برای رفع گرسنگی به سراغ ظرف غذا می رویم. این عمل به ما می فهماند که ما در تشخیص لیوان آب و ظرف غذا اشتباه نکرده ایم. ۵

۴- یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی چیست؟
۵- شناخت تمایزها و تفاوت های اشیای چه امکانی را به انسان می دهد؟ مثال بزنید

ابزارهای شناخت
حس ← این ابزار مشترک میان انسان و حیوان است
عقل ← ابزار یا قوه تفکر در آدمی است
قلب ← وحی الهی، برترین شهود ← مخصوص پیامبران

۱- پاسخ سؤال اول، معمولاً منفی است، زیرا برای همه انسان ها خطای در حواس رخ داده، اما باز هم از حواس استفاده می کنند. کسی نیست که به علت چند بار اشتباه در دیدن، دیگر از چشم خود استفاده نکند. او حتی برای پی بردن به خطای خود باز هم از همین حواس استفاده می کند

بررسی

گاهی ما در هنگام استفاده از حواس دچار خطا می شویم؛ مثلاً ممکن است چوب را داخل آب، شکسته ببینیم یا یک ساختمان بزرگ را، از فاصله دور، کوچک بینداریم.

۱ آیا چنین پیشامدهایی سبب سلب اعتماد ما از حواس می شود؟ چرا؟ **بالای صفحه**

۲ برای اینکه به خطای خود در این موارد پی ببریم، باید از چه ابزاری

استفاده کنیم؟ آیا باز هم باید از حواس کمک بگیریم؟ **حواس - بله**

۳ آیا اینکه انسان می تواند متوجه خطای خود شود، می تواند دلیلی بر توانایی

حواس برای شناخت اشیا باشد؟

پاسخ سؤال سوم در ضمن پاسخ سؤال اول داده شد

۱- انسان با قوه عقل چه حقایقی را می تواند درک کند؟ توضیح دهید؟

۲- شناخت تجربی را تعریف کنید؟

۲. عقل

۱ (انسان دارای قوه ای است که با آن تفکر و تعقل می کند. او با کمک این قوه می تواند حقایقی را درک کند که توانایی درک آن از راه احساس ممکن نیست.

این حقایق، هم می تواند امور محسوس و طبیعی را شامل شود و هم امور

غیر محسوس و غیر طبیعی را در بر می گیرد) ۱

۲ (عقل با کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته های حسی می تواند به بسیاری از

اسرار و رموز طبیعت پی ببرد و قوانین طبیعی را بشناسد. این نوع شناخت را که

عقل با همکاری حس به دست می آورد، «شناخت تجربی» می گوئیم) ۲

شناخت تجربی بر چند قاعده عقلی مهم نیز استوار است و دانشمند در هنگام

بررسی داده های حسی، آن قاعده ها را در نظر دارد و از آنها بهره می برد؛ برخی از

این قواعد عبارت اند از: ۱- پدیده ها خود به خود پدید نمی آیند، بلکه هر پدیده ای

نیازمند علت است ۲- هر پدیده علتی ویژه دارد، و از هر چیزی، هر چیزی پدید

نمی آید. ۳- طبیعت، همواره یکسان عمل می کند. به طور مثال، آب، همواره خواص

خود را دارد و این گونه نیست که یک روز فلان خاصیت را داشته باشد و روز

دیگر نداشته باشد) ۴

ارسطو از اولین دانشمندانی است که مبانی علوم تجربی را پایه گذاری کرد.

وی که شاگرد افلاطون بود، علاوه بر تبخّر در فلسفه، یک دانشمند علوم طبیعی

نیز شمرده می شد.

۳- چه زمانی دانشمند قاعده های عقلی شناخت تجربی را در نظر دارد؟ هنگام بررسی داده های حسی

۴- شناخت تجربی بر سه قاعده عقلی مهم استوار است، آنها را نام ببرید؟ ۵۲

مجتبی محمودی، دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایزد

t.me/mahmoudi_izeh : لینک کانال تلگرام



یک دانشمند داروساز، با توجه به دانش و تجربه ای که در طول سالها کسب کرده است، فکر می کند شربت تهیه شده از شوید می تواند چربی و قند خون را کاهش دهد. وی ابتدا شربتی از این گیاه تهیه می کند و براساس ضوابط علمی و قانونی، آن را بر روی یک مورد آزمایش می کند؛ اگر این آزمایش موفقیت آمیز بود او تعداد آزمایش را در شرایط گوناگون گسترش می دهد. یعنی دست به «استقراء» می زند تا عقلاً قانع شود که این شربت در کاهش قندخون مؤثر است. اگر این استقراء براساس شرایط و ضوابط ویژه ای انجام شود، آنگاه از این شربت برای کاهش چربی و قند خون استفاده خواهد شد.

۱- ابن سینا در گسترش کدام اندیشه های ارسطو تأملات عمیقی کرد؟

۲- نظر ابن سینا در رابطه با قانون علیت را بیان کنید؟

۳- نیروی عقل، توانایی شناسایی کدام حالات را دارد؟ مثال بزنید

نکته

دانشمند دیگری که در توضیح و تبیین قواعد عقلی علوم طبیعی نقش بسزایی دارد، ابن سیناست. ابن سینا کتاب‌های متعددی هم در فلسفه و هم علوم طبیعی نوشت که همواره مورد توجه فیلسوفان و دانشمندان علوم طبیعی بوده است (وی در گسترش اندیشه‌های ارسطو دربارهٔ قانون علیت و ابعاد مختلف آن تأملات عمیقی کرد و توضیحاتی بیان نمود که همچنان قابل استفاده است) ابن سینا توضیح داد که قانون علیت از تجربه و آزمایش به دست نمی‌آید، بلکه برعکس، خودش پایه و اساس هر تجربه‌ای است. این قانون، یکی از قواعد اولیهٔ تعقل است که انسان در شناخت هر پدیده‌ای از آن استفاده می‌کند) ۲

۳) نیروی عقل، علاوه بر استفاده از حواس بیرونی، مانند چشم و گوش، می‌تواند حالات درونی نفس مانند شادی، درد، محبت، دشمنی، عصبانیت و خوشحالی را شناسایی کند و دربارهٔ آنها نظر دهد. مثلاً انسان می‌تواند به کمک عقل خود، علل بیدایش شادی و افسردگی را کشف کند و دربارهٔ آنها توضیح دهد. ۳

بیان نمونه *

آیا می‌توانید نمونه‌های دیگری از ویژگی‌ها و حالات نفس را مثال بزنید که انسان ابتدا آن را در خود یافته و سپس در موجودات دیگر مشاهده کرده است؟

۱- محبت و دشمنی ۲- استدلال کردن ۳- شادی و غم

۴- اخلاق و ویژگی‌های اخلاقی مانند تریس و شجاعت

۵- احساس شک و تردید در برخی امور

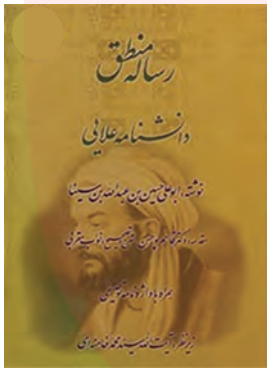
۴- شناخت عقلی را با ذکر مثال تعریف کنید؟

علاوه بر موارد فوق (عقل قادر است بدون استفاده از یافته‌های تجربی و صرفاً با تفکر و چپش استدلال، به حقایق برسد و دانش‌هایی را پایه‌گذاری کند. به این قبیل دانش‌ها «شناخت عقلی» می‌گوییم. بسیاری از دانستنی‌های ریاضی از این قبیل هستند) ۴

فلسفه نیز همین گونه است (دانستنی‌های این دانش از طریق حواس و تجربه به دست نمی‌آیند؛ بلکه فقط از طریق تعقل محض می‌توان به آنها رسید. مثلاً

۵- دانستنی‌های دانش فلسفه چگونه به دست می‌آیند؟ مثال بزنید؟

۱. الهیات شفا، ابن سینا، مقالهٔ اول، فصل اول، ص ۸



بیشتر بدانیم

هر کسی می‌داند که اعداد از جمع واحدها ساخته می‌شوند؛ مثلاً عدد ۲، یعنی دو واحد، عدد ۳ یعنی سه واحد و عدد ۴، یعنی چهار واحد. هر کس معنای عدد ۲ و عدد ۴ را بداند، با اندکی تفکر درمی‌یابد که عدد ۴، برابر با ۲ به علاوه ۲ است که ما آن را به صورت $2+2=4$ نشان می‌دهیم. به عبارت دیگر، محاسبات ریاضی از طریق تجربه و مشاهده اشیا انجام نمی‌گیرد بلکه به کمک یک محاسبهٔ فکری و ذهنی صورت می‌پذیرد.

بیشتر بدانیم

نمونه‌ای از استدلال عقلی محض: این جهان را آفریدگاری عالم، حکیم و توانا آفریده است. در علم و قدرت و حکمت الهی هیچ گونه کمی و کاستی راه ندارد. پس جهانی که با استفاده از این علم و حکمت و قدرت ساخته شده، نیکوترین و بهترین جهان ممکن است و هیچ گونه کاستی و عیب و نقضی ندارد.

ذات و صفات خداوند را نمی توان با حس و تجربه درک کرد و شناخت آنها مستلزم بهره گیری از قواعد شناخت عقلی است) ۵

۱) (این قدرت و توانایی عقل، به انسان امکان می دهد تا یافته هایی سودمند درباره کل هستی، که امکان درک تجربی آن هیچ گاه وجود ندارد، به دست بیاورد و این یافته های عقلانی را اساس سایر دانش ها قرار دهد و پایه های زندگی خود را بر آنها استوار سازد) این یافته های عقلانی، همان است که در درس اول درباره آنها سخن گفتیم و تأکید کردیم که انسان برای فهم آنها به دانش فلسفه نیاز دارد.

بررسی

آیا در علمی که از راه استدلال عقلی محض به دست می آید، امکان خطا و اشتباه وجود دارد؟ با توجه به آنچه در منطق، درباره استدلال آموخته اید، در این باره توضیح دهید.

۱- اشتباه فقط در بدیهیات راه ندارد، مانند اجتماع نقیضین محال است

۲- در استدلال تجربی که از حس کمک می گیریم امکان خطا هست که با تلاش و کوشش علمی و دقت در آزمایش ها و تجربه ها آن را کم می کنیم

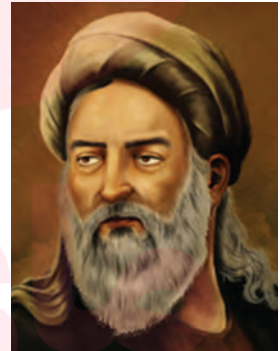
۳- در استدلال عقلی محض، چه در ریاضیات و چه در فلسفه امکان خطا وجود دارد. این خطا می تواند از ناحیه ماده باشد و می تواند از ناحیه صورت

بیشتر بدانیم یعنی شکل استدلال باشد. هر دو شکل خطا قابل تشخیص رفع شدن است

۱- معرفت شهودی را تعریف کنید؟

۳. قلب ۲- معرفت شهودی چگونه حاصل می شود؟

۱) «قلب» یا «دل» یکی دیگر از ابزارهای معرفت انسان است که می تواند بی واسطه به حقایق برسد و معرفت کسب کند. معرفتی که از این طریق به دست می آید، «معرفت شهودی» نامیده می شود. این معرفت از طریق تقویت ایمان و تعالی بخشیدن به نفس و تهذیب آن و کمال طلبی همراه با عبادات خالصانه، به تدریج و گام به گام حاصل می شود. معرفت شهودی یک معرفت بی واسطه است؛ یعنی بدون استفاده از تجربه و آزمایش و بدون استدلال عقلی در قلب تجلی می کند. البته همان طور که گفتیم (برای دریافت چنین معرفتی



شیخ شهاب الدین سهروردی از برجسته ترین چهره های حکمت اسلامی و فرهنگ ایران زمین است. وی فلسفه جدیدی را پایه گذاری نمود و میان حکمت و فلسفه و اشراق و شهود پیوند برقرار کرد. وی می کوشید از طرفی شهودهای عرفانی خود را با زبان فلسفی و استدلالی بیان کند و از طرف دیگر آنچه را که با استدلال و نیروی عقل به دست آورده با سیر و سلوک قلبی و مشاهده همراه کند.

سیر و سلوک و تهذیب نفس ضروری است) ۴- ۳- اینکه می گوئیم، معرفت شهودی یک معرفت بی واسطه است، به چه معناست؟

۵) (این گونه شناخت را بدان جهت شهودی می گویند که قلب انسان حقیقت را چنان درمی یابد که گویا با چشم می بیند) عارف و سالک الی الله ممکن است بتواند در همین دنیا، آخرت را مشاهده کند. علاوه بر عالم طبیعت، سایر عوالم را مشاهده نماید و وجود فرشتگان را هم واقعاً بباید. این قبیل مشاهدات، از نوع شهود قلبی است و از راه چشم به دست نمی آید) ۶

۴- برای دریافت معرفت شهودی، چه اموری ضروری هستند؟ ۵- چرا معرفت شهودی را به این نام نامیده اند؟

۶- عارف و سالک الی الله ممکن است با معرفت شهودی، چه چیزهایی را مشاهده کند؟

حافظ از شهود قلبی خود چنین حکایت می کند:

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند
بیخود از شعضه پرتو ذاتم کردند باده از جام تجلی صفاتم دادند
چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی آن شب قدر که این تازه براتم دادند
بعد از این روی من و آینه وصف جمال که در آنجا خبر از جلوه ذاتم دادند
من اگر کامروا گشتم و خوشدل چه عجب مستحق بودم و اینها به زکاتم دادند
هاتف آن روز به من مؤده این دولت داد که بدان جور و جفا صبر و ثباتم دادند
این همه شاهد و شکر کز سخنم می ریزد اجر صبریست کزان شاخ نباتم دادند
همت حافظ و انفاس سحرخیزان بود که ز بند غم ایام نجاتم دادند

۱- منظور از معارف و حیانی چیست؟ توضیح دهید؟

❖❖❖ وحی الهی، برترین شهود



۱ (یکی از شهودهای قلبی وحی الهی است.^۱ این شهود ویژه پیامبران است و خداوند از طریق وحی و به واسطه پیامبران، معارفی را در اختیار بشر قرار می دهد که به آن «معارف و حیانی» می گویند) دریافت کننده وحی، پیامبران الهی هستند. آنان آنچه را که از راه وحی دریافت کرده اند، به انسان های دیگر می رسانند (در شهود و حیانی، خداوند حقایق و معانی و حتی گاهی کلمات و عبارات خود را بر قلب پیامبر نازل می کند و پیامبر آن معانی و کلمات و عبارات را دریافت می کند و هیچ گونه دخل و تصرفی از طرف پیامبر در آن صورت نمی گیرد).^۲

نکته

۳ (قرآن کریم نمونه ای از کلام الهی است که خداوند از طریق وحی بر قلب آخرین پیامبر خود نازل کرده است. ما با تأمل و تدبیر در قرآن و به میزان توانایی و همت خود می توانیم از بسیاری حقایق آگاه شویم).^۳

۲- شهود و حیانی چگونه صورت می گیرد؟
۳- ما چگونه می توانیم به بسیاری از حقایق آگاه شویم؟

۱. برای شناخت بیشتر این شهود قلبی به کتاب وحی یا شعور مرموز از علامه طباطبایی مراجعه کنید.

با اینکه «معرفت وحیانی» و «شهود و اشراق عارفانه» قربت و نزدیکی‌هایی با هم دارند، اما تفاوت‌هایی اساسی نیز میان آنها وجود دارد. یکی از تفاوت‌های این دو شیوه شناخت را در جدول زیر می‌بینید. آیا می‌توانید موارد دیگری نیز به این فهرست اضافه کنید؟

شهود عارفانه	معرفت وحیانی
۱. شهود عارفانه مشاهده قلبی خود عارف است.	۱. معرفت وحیانی از جانب خدا نازل شده است.
۲. اما ممکن است که یک عارف در بیان شهود خود دچار اشتباه شود	۲. در انتقال وحی به مردم اشتباهی رخ نمی‌دهد
۳. اما در شهود عارفانه لزوماً هدایت مردم وجود ندارد	۳. هدف وحی هدایت مردم است
شهود، برای هر کسی که خالصانه به تزکیه نفس بپردازد رخ میدهد	وحی فقط به کسی می‌شود که ویژگی‌های لازم نبوت را دارد

۱ وقتی ماه را در آسمان مشاهده می‌کنیم، آن را به اندازه یک توپ فوتبال می‌بینیم، در حالی که می‌دانیم قطر ماه حدود ۳۵۰۰ کیلومتر است. آیا به نظر شما، این اتفاق می‌تواند نمونه‌ای از خطای حواس به شمار بیاید؟

اصولاً فاصله چه تأثیری در کوچکی و بزرگی اشیا دارد؟

۲ حیوانات نیز مانند انسان ادراک حسی دارند حتی در برخی از حواس از انسان‌ها نیز قوی‌تر هستند، اما شناخت حسی و تجربی آنها از جهان پیرامونی با شناخت انسان قابل مقایسه نیست.

به نظر شما دلیل این میزان تفاوت میان شناخت حسی انسان و حیوان چیست؟

۳ برخی از فیلسوفان اعتقاد دارند شناخت و معرفت فقط در حوزه تجربه امکان‌پذیر است. به نظر شما آیا می‌توان نظر این فیلسوفان را از طریق تجربه اثبات کرد؟ نظر خود را با دلیل بیان کنید.

۴ آیا می‌توان با تجربه، آنچه را که در عالم وجود دارد، شناخت؟ با هم کلاسی‌های خود مباحثه کنید.

۵ با توجه به تنوع ابزارهای شناخت، دربارهٔ افراد زیر نظر دهید و بگویید که با چه اشکالاتی روبه‌رو می‌شوند؟

۱ کسی که معتقد است تنها ابزار شناخت حس است و فقط معرفت تجربی اعتبار دارد.

۲ کسی که معتقد است تنها ابزار شناخت عقل است و فقط معرفت عقلی محض اعتبار دارد.

۳ کسی که معتقد است تنها ابزار شناخت قلب است و فقط شهود قلبی اعتبار دارد.

۴ کسی که معتقد است تنها شهود وحیانی قابل اعتبار است.



اصفهان، میدان امام

www.mydars.ir

انواع سوالات درس هفتم فلسفه یازدهم

ابزارهای شناخت

تعیین کنید کدام یک از عبارات زیر صحیح و کدام یک غلط است؟

- ۱- یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی حس در شناخت تفاوتها و تمایزهاست **صحیح**
- ۲- شناختی را که عقل با همکاری حس به دست می آورد، شناخت عقلی می گوئیم **غلط**
- ۳- ملاصدرا در گسترش اندیشه های ارسطو درباره قانون علیت و ابعاد مختلف آن تأملات عمیقی کرد **غلط**
- ۴- معرفت شهودی یک معرفت بی واسطه است؛ یعنی بدون استفاده از تجربه و آزمایش و بدون استدلال عقلی در قلب تجلی می کند **صحیح**
- ۵- عارف و سالک الی الله ممکن نیست بتواند در همین دنیا، آخرت را مشاهده کند **غلط**
- ۶- در شهود و حیانی، خداوند حقایق و معانی و حتی گاهی کلمات و عبارات خود را برقلب پیامبر نازل می کند **صحیح**

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید

- ۱- ما به کمک با عالم طبیعت آشنا می شویم و بسیاری از موجودات و ویژگیهای آنها را می شناسیم
حواس پنج گانه
- ۲- ارسطو از اولین دانشمندانی است که را پایه گذاری کرد **مبانی علوم تجربی**
- ۳- ابن سینا توضیح داد که قانون علیت از به دست نمی آید **تجربه و آزمایش**
- ۴- عقل قادر است بدون استفاده از یافته های تجربی و صرفاً با ، به حقایق برسد
تفکر و چینش استدلال
- ۵- ذات و صفات خداوند را نمی توان با حس و تجربه درک کرد و شناخت آنها مستلزم بهره گیری از است
قواعد شناخت عقلی
- ۶- یکی از شهودهای قلبی است **وحی الهی**

مجتبی محمودی، دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایزه

t.me/mahmoudi_izeh: لینک کانال تلگرام

www.my-dars.ir